پشت آرمان‌شهر

نگاهی به آثار رابرت فرانکو دانکن اربوس در آمریکای دهه ۵۰ و ۶۰

وحید طباطبایی

www.ketab.ir

www.ketab.ir

عنوان و نام پدیدآور: عکاسی در پساآرمانشهر: نگاهی به آثا[illegible] دایان آربوس در آمریکای دهه ۵۰ و ۶۰/وحید طباطبایی •• سرشناسه: طباطبایی،وحید- ۱۳۱
مشخصات نشر: تهران: کتاب پرگار،۱۳۹۷.•• مشخصات ظاهری :. [illegible]ص. [illegible]ور(بخشی رنگی)
موضوع : Photography,Artistic / Photograph[illegible],United States,20th century
موضوع : عکاسی،ایالات متحده،تاریخ،قرن۲۰م / هنر،ایالات متحده،قرن۲۰ .[illegible]
موضوع :هنرها،ایالات متحده /عکاسی هنری •• شابک:۳-۹-۹۹۰۹-۶۰۰-۹۶۴
موضوع : فرانک،رابرت ۱۹۲۴م / اربس،دایان ۱۹۷۱-۱۹۲۳م
رده‌بندی دیویی:۷۷۰/۹۷۳••رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸ع۲ط/TR ۲۳
وضعیت فهرست‌نویسی:فیپا •• شماره کتابشناسی ملی : ۵۵۸۹۳۷۳

کتاب پرگار

www.ketab.ir

عکاسی در پسا آرمانشهر

نگاهی به آثار رابرت فرانک و دایان آربوس در آمریکای دهه ۵۰

نویسنده: وحید طباطبایی •• ویراستار: افشین لطفی

ناشر: کتاب پرگار •• نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ •• شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

صفحه آرایی: کوروش شبگرد •• طراحی جلد: نسیم برجیان •• مدیر تولید: آرش کمالی

شابک: ۳-۹-۹۹۰۹-۶۰۰-۹۷۸

مرکز توزیع: کتاب پرگار ۰۹۱۲۵۳۴۷۸۴۵ - ۰۲۱۶۶۹۶۲۴۳۲

فروشگاه اینترنتی: www.pargarbook.com

فهرست مطالب

پیش‌درآمد: چرا آمریکای دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰؟ ۷
فصل اول: آمریکای جنگ سرد و واکنش‌های هنری و فرهنگی به آن ۱۳
جنگ سرد و معادلهٔ خودی / دیگری ۱۴
[illegible] تمایز خودی از دیگری در ایدئولوژی جنگ سرد ۱۷
جنگ سرد و هنر عامه‌پسند ۳۳
جنگ سرد و هنر و[illegible] ۴۴
فصل دوم: آمریکایی‌ها و دیگرِ غیرآمریکاییِ آمریکا ۵۷
رابرت فرانک: از مردمی که شما نمی‌بینید تا آمریکایی‌ها ۵۸
آمریکایی‌ها ۶۹
موضوعات: دیگری به‌مثابهٔ آمریکایی ۷۱
روش عکاسی رابرت فرانک: بازنمایی هنجارشکن در آمریکای پساآرمان‌شهری ۸۸
فصل سوم: آمریکای انقلابی دههٔ ۱۹۶۰ و واکنش‌های هنری و فرهنگی به آن ۱۰۷
هراس از واژگونی معادلهٔ خودی / دیگری ۱۰۸
زنان و نوجوانان یاغی و بازنمایی آنان در فرهنگ و هنر عامه‌پسند ۱۱۱
دههٔ ۱۹۶۰ و شکست نظام‌های معناسازِ جنگ سرد ۱۱۹
سال ۱۹۶۸ و آغاز شکست پادفرهنگ ۱۳۱
افول انگارهٔ سوژهٔ هنری در دههٔ ۱۹۶۰ ..... ۱۳۴
فصل چهارم: دایان آربوس؛ راه گریز: عجیب‌وغریب‌ها ۱۴۳
دایان آربوس و شیفتگی برای امر عجیب‌وغریب ..... [illegible]
دایان آربوس و غلبه بر پرسش چگونه عکاسی‌کردن از عجیب‌وغریب‌ها ۱۵۰
موضوع به‌مثابهٔ مسئلهٔ اصلی عکاسی دایان آربوس ۱۵۴
روش عکاسی دایان آربوس: عجیب‌وغریب‌ها و مسئلهٔ تسلیم‌گرایی ۱۶۰
سخن پایانی ۱۸۷
منابع ۱۹۷

www.ketab.ir

به‌جای مقدمه

چرا آمریکای دهه‌های ۱۹۸۰ ـ ۱۹۶۰؟

آنچه که پیش‌رو دارید متنی است حاصل پنجاه سال مطالعه و نگارش در مورد تاریخ دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ایالات متحدهٔ آمریکا. آن‌هم به‌واسطهٔ دایرهٔ گسترده‌ای از متون سیاسی، برنامه‌های تلویزیونی، تولیدات هنرهای تجسمی، فیلم‌ها، سینمایی، رمان‌ها، و...) که تقریباً طی یک سال گذشته به قالب کنونی‌اش درآمده است. صرف چنین زمانی برای پژوهش در مورد تاریخ کشوری بیگانه، آن‌هم دوره‌ای از تاریخ که دیواری به بلندای نیم‌قرن بین ما و آن فاصله انداخته است، پرسشی انکارناشدنی در توجیه‌پذیر پدید می‌آورد: اینکه خیره‌شدن به دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ایالات متحده در ایران معاصر چه توجیهی دارد؟ چرا نباید همین حالا این کتاب را بست و، احتمالاً برای همیشه، به شکاف خالی‌شده در کتابخانه بازگرداندش؟ شاید صرفاً از سر علاقهٔ شخصی. هرچند که هرگاه اجباری در کار نباشد علاقه اولین و اصلی‌ترین دلیلمان برای هر کنشی است، یا دست‌کم بیایید امیدوار باشیم که جهان این‌چنین مهربان است، اما اگر این تنها دلیل بود، حاصل این علاقه نمی‌توانست فراتر از گردآوری مجموعه‌ای از فیلم‌ها و عکس‌ها و قطعات

www.ketab.ir

موسیقی و چند موردی رمان از این دورهٔ آمریکا باشد. علاقهٔ صرف به یک موضوع درنهایت شخصیت‌هایی می‌آفریند همچون مجموعه‌دار (کلکسیونر) یا نمونه‌های امروزی آن، فیلم‌باز و کتاب‌باز و موزیک‌باز و افرادی ازاین‌دست، که همگی این ویژگی مشترک را دارند که داشته‌هایشان را صرفاً برای داشتنشان می‌خواهند. آن‌ها این داشته‌ها را هرگز وارد گفتمانی انتقادی نمی‌کنند. چنین شخصی اگر به دههٔ ۱۹۶۰ و حال‌وهوای انقلابی آن دل‌بستگی داشته باشد، سعی می‌کند متعلقات یک هیپی را داشته باشد: مدل مو و لباس‌های وی را، در حافظهٔ تلفن همراهش موسیقی‌های موردعلاقهٔ هیپی را (جنیس جاپلین، اسکات مکنزی، سایمون و گارفانکل، و...)، در رایانه‌اش مجموعهٔ فیلم‌های هیپی را (*فارغ‌التحصیل*، *ایزی رایدر*، و...)، و گاه حتی مواد مخدر باب میل وی را در جیبش.

اما این فراتر از علاقه باعث نوشتن این کتاب شد. ضرورتی برای دست به قلم بردن و کار در آن‌هم اینکه مطالعه و اندیشیدن در مورد آمریکا، در جهانی که ایالات متحده در هر گنجی هست، امری ضروری است. تفاوتی نمی‌کند که شیفتهٔ این کشور باشید یا از آن متنفر. واقعیت این است که دامنهٔ نفوذ سبک زندگی آمریکایی آن‌چنان جهان‌گستر است که خواسته یا ناخواسته هریک از ما بخشی آمریکایی را در زندگی خود داریم. بسیاری از ما دوستهٔ مک‌دونالد، شبیه به آمریکایی‌ها لباس می‌پوشیم، رمان‌های آمریکایی می‌خوانیم، موسیقی شاخ گوش می‌دهیم، در زندگیِ سلبریتی‌های آمریکایی سرک می‌کشیم و این‌چنین آمریکا به زندگی خود راه می‌دهیم. شاید هم بالعکس، چنان از ایالات متحده نفرت داریم که از شکافانه هرآنچه را رنگی آمریکایی به خود دارد از زندگی‌مان می‌زداییم. که البته خیال خام بیش نیست. این‌گونه به شکلی سلبی موضوع آمریکا را در ذهن خود احیا می‌کنیم. اما لزومی ندارد که ایالات متحده دغدغهٔ فکریِ فرد باشد تا به این اطمینان برسد که آمریکا بخشی از زندگی روزمرهٔ اوست: قدرت سیاسی و اقتصادیِ یگانه ابرقدرت جهانِ پساشوروی، به ویژه به‌واسطهٔ وابستگی اقتصاد جهانی به دلار آمریکا، آن‌چنان در بخش‌بخشِ حیاتمان نفوذ کرده است که نیندیشیدن به ایالات متحده را به گونه‌ای ساده‌لوحی و چشم‌پوشی بر واقعیت بدل می‌کند. ما به اندیشیدن به آمریکا نیاز داریم تا خودمان را بهتر بشناسیم.

اما چرا دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ایالات متحده و نه هر دورهٔ دیگری از آن؟ با نادیده‌گرفتن کلیشهٔ بی‌فایدهٔ «درس‌گرفتن از تاریخ» که هدفی جز فروکاستن تاریخ از مسائلی لاینحل و به‌تعویق‌افتاده به مجموعه‌ای خنثی از روایت‌های آرامش‌بخش ندارد،

www.ketab.ir

مشابه همان کاری که کلکسیونر با اعضای مجموعه‌اش می‌کند، هدف از احضار روحِ دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ آمریکا در این کتاب نه یافتن پاسخ‌هایی ساختگی و خلسه‌آور برای اکنونمان در ایرانِ دههٔ ۱۳۹۰ و نه تلاشی برای «درس عبرت گرفتن» از تاریخ که نمایاندن فقدان همین درس‌ها و بیان پرسش‌هایی صحیح درباب اکنونمان است. می‌توان صرفاً با نگاهی کوتاه به برخی ویژگی‌های دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ ایالات متحده پی برد که چرا می‌توان این سالیان را واسطه‌ای مناسب قرار داد برای اندیشیدن در مورد اکنونمان. هنگامی‌که دههٔ طولانی ۱۹۵۰ به انتهای خود نزدیک می‌شد آمریکا اندک‌اندک ...ی می‌برد که بخش بزرگی از فرزندانش رؤیایی نو را در سر می‌پرورانند: رؤیای نابودی هرآنچه د... دههٔ ۱۹۵۰ ارزشمند بود. دههٔ ۱۹۶۰ بدل به دورانی شد که در آن دو جبههٔ متخاصم که «... نسلیِ» عمیقی بینشان فاصله انداخته بود رویاروی هم قرار گرفتند. ... والدین قرار گرفته بود: راضی از زمانه‌ای که «عصر طلایی» می‌دانستند... درست، کلیسارو، متنفر از سوسیالیسم و دشمن کمونیسم، در هراس از هم‌جنس‌گرایان، ... نژادپرست، مردسالار، و غرق در سرمایه‌داری شرکتی و بوروکراسی مرتبط با آن. این نسل بر آن بود که هرآنچه را که بدان باور داشت ارزش‌هایی جهان‌شمول و ابدی می‌پندا... و ... همین جهان‌شمولی و فرازمان‌بودن به هر تلاشی برای تغییر و دگرگونی، به هر کنش ... انقلابی بر جای می‌گذاشت، با سوءظن می‌نگریست و همواره آماده بود که این تلا... را با زدن برچسب «توطئهٔ دشمن»، و چه دشمنی مفیدتر از شوروی برای برساختنِ این ... برچسب ...، از اعتبار ساقط کند.

در دیگر سویِ این نبردْ نسل فرزندان ایستا... بود: بی‌اعتنا... به هر باوری که برای نسل پیشین محترم بود، گریزان از خانواده، اغ... معتقد به آشکالی از زندگی اشتراکی، مشتاق برای تجربه‌های جنسی جدید، باورمند به برا... ... برابری میان نژادها (یا حداقل چنین تصوری از خود داشت)، فراری از سازمان کارِ آمریکا... جویای تجربه‌های دینی تازه، و البته سفر با ال. اس. دی. نسل نو ناقوس نابودی زند... والدینش را به صدا درآورد و امیدوار بود که بتواند جهانی نو بیافریند. در ۱۹۶۷، د... سالگی که در «تابستان عشقِ» آن فرزندان واقعاً در آستانهٔ تحقق رؤیاهایشان به نظر می‌آمدند و همسالانِ خود را به سان‌فرانسیسکو، پایتخت معترضان، فرا می‌خواندند تا نسل نو دوباره سفر به غرب را از سر گیرد و آمریکایی جدیدی بیافریند، اسکات مکنزی در ترانهٔ معروفش، سان‌فرانسیسکو، به هم‌نسلانش وعده می‌داد که «اگر به سان‌فرانسیسکو

www.ketab.ir

بیایید، انسان‌هایی بسیار نجیب را خواهید یافت» و بدین‌گونه عازمین این شهر را خطاب قرار می‌داد که «به هنگام تابستان مهمانی پرشوری در خیابان‌های سان‌فرانسیسکو بر پا خواهد شد». امیدها فراوان و شکست‌ناپذیر می‌نمایاندند، اما صرفاً گذر چند ماه لازم بود تا همه‌چیز زیر و زبر شود. آنچه که در انتهای دهۀ پرهیاهوی ۱۹۶۰ رخ داد شباهتی به آرزوهای آرمان‌گرایانه‌ای نداشت که در طول سالیان دهۀ ۱۹۶۰ آمریکا را برای همیشه تغییر داده بود. اگر که نسل پیشین با پایان‌یافتن دهۀ ۱۹۵۰ دل‌بستگی‌ها و آرمان‌هایش را رو به تباهی دید، فرزندانش در انتهای دهۀ بعدی رؤیاهایشان را بربادرفته یافتند.

هرچند که در سالیان پایانیِ دهۀ ۱۹۶۰ نهادهای موردتأکید نسل پیشین ـ خانواده، مسیحیت، و دولت ـ و صدالبته جریانات اعتراضی به این نهادها هنوزهم پابرجا بودند (و بعید است که تا سالیانی دراز جز این باشد)، اما آن‌ها دیگر آنچه پیشتر بودند به نظر نمی‌رسیدند. فرزندان به شکلی بازگشت‌ناپذیر نهادهای پدرانشان را از اعتبار انداخته بودند، اگرچه که خود همین فرزندان را هراسان و مغلوب می‌ساخت این بود که جایگزینی برای آن‌ها نیافتند. دهۀ ۱۹۶۰ که با امیدواری و رؤیاپردازی آغاز شده و با مبارزه و فریاد به اوج خود رسیده بود در یأس و سردرد به پایان رسید. نظام‌های معناسازِ پیشین بی‌هیچ جانشینی سست شده بودند و بی‌معنایی بدل به حقیقتی خودنماتر و همه‌جاحاضر شده بود. حتی آنچه که پس از وعده‌های پرامید اسکات مکنزی برای سفر به غرب کشور ـ هنگامی که در سالیان دهۀ ۱۹۸۰ ژان بودریار به انتهای سفر خود در آمریکا، به ساحل غربی، رسید ـ تجربه کرد «مهمانی پرشور خیابانی» و «انسان‌های نجیب» نبود؛ سکوتِ بیابان حکمفرما بر همه‌جا بود و صرفاً بی‌معنایی انتظار مسافر را می‌کشید: «دنیای غرب در ساحلی عاری از معنا به انتها می‌رسد». سفر او ختم به هیچ شده بود: «سفری که وقتی به پایان می‌رسد به هیچ ختم می‌شود» (۱۳۹۳: ۸۴). و آیا می‌توان انتظاری جز این داشت اگر به یاد آوریم که بودریار زمانی عازم آمریکا شد که بازیگر درجه دویِ حاضر در کاخ سفید چکش خود را بر آخرین میخ‌های تابوت رؤیاپردازی و انقلابی‌گری دهۀ ۱۹۶۰ فرود می‌آورد؟

در انتهای دهۀ ۱۹۶۰ آمریکا به عصری تهی از معنا، به دنیای آرمان‌های شکست‌خورده قدم گذاشت. در این زمان بود که بسیاری ساکن جهانی پسآرمان‌شهری شدند، با تمامی پرسش‌های پاسخ‌نگرفته‌اش، تردیدهای کرختی‌آور، و سردردهای تسکین‌نیافته‌اش که مدت‌هاست همگی بخشی از زندگی ما نیز شده‌اند.

www.ketab.ir

این کتاب تلاشی است برای درک درست زندگی‌مان در جهان پساآرمان‌شهری با نگاه به آثار دو عکاسی که شاید بهتر و بیشتر از هرکسی از چنین زیستنی رنج بردند و تسلیم در مقابل آن را درک کردند.

شاید چندان بیهوده نباشد که «شکاف» حاصل از دردست‌گرفتنِ این کتاب را برای مدتی پر نکنیم، چه‌بسا همین شکاف تنها دستاورد *عکاسی در پساآرمان‌شهر* باشد.

* * *

باتوجه‌به ساختار کتاب، توضیح یک نکته ضروری است. *عکاسی در پساآرمان‌شهر* در چهار فصل کلی سامان یافته است. در فصل‌های فردِ آن سعی شده تا زمینه‌ای فکری که باتوجه‌به آن رابرت فرانک و دایان آربوس دست به خلق آثار خود زدند تشریح شود و به شکلی هرچند ناکافی اما مکفی تصویری کلی از دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، ویژگی‌های مستقلشان، و تفاوت‌ها و روابط‌شان‌ها برای مخاطب ترسیم شود. تحقق این تصویر در فصل‌های اول و سوم به وسیلهٔ بررسی چون متنوعی در زمینه‌های گوناگون ـ هنرهای تجسمی، سیاست، سینما و تلویزیون، کتاب‌های کمیک، موسیقی، مجلات عامه‌پسند، و ادبیات ـ ممکن شده است و بالطبع سهم عکاسی در این دو فصل آن‌چنان زیاد نخواهد بود، هرچند که قابل چشم‌پوشی نیز نیست. ذکر این نکته از آن جهت ضروری است که مخاطبی که صرفاً بنابر علاقه‌اش به بحث‌های نظری عکاسی کتاب را به دست گرفته است با صبر و حوصلهٔ بیشتری این دو فصل را، که زمینهٔ لازم برای خوانش دقیق‌تر آثار رابرت فرانک و دایان آربوس فراهم می‌آورد، مطالعه‌کند.

www.ketab.ir